



چهارم تا موفقیت

(جملاتی جادویی برای دست یابی به موفقیت)

به کوشش و پژوهش:

زینب حریت پژوه، محمدباقر گرگویی

انتشارات مفاخر

پاییز ۸۸

سر شناسه	حریت پڑوه، زینب ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور	پله پله تا موفقیت: (جملاتی جادویی برای دستیابی به موفقیت) به کوشش و پژوهش زینب حریت پڑوه، محمد باقر گرگویی. یزد: مفاخر، ۱۳۸۸.
مشخصات نشر	۹۵ ص.
مشخصات ظاهری	۱۵۰۰ ریال: ۵-۱۰-۵۴۴۹-۶۰۰-۹۷۸
شابک	فیفا
وضعیت فهرست نویسی	موفقیت- کلمات قصار
موضوع	گرگویی، محمدباقر. ۱۳۵۲ -
شناسه افزوده	۱۳۸۸ م BF۶۲۷/۴۲۵۸
رده بندی کنگره	۱۵۸/۱
رده بندی دیویی	۱۸۵۱۶۳۹
شماره کتابخانه ملی	



پله پله تا موفقیت

گردآورندگان: زینب مریت پڑوه - محمدباقر گرگویی

صفحه آراء: الهه نصیرزاده

طراح جلد: زینب مریت پڑوه

ناشر: انتشارات مفاخر

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۱۵۰۰۰ ریال

شابک: ۵-۱۰-۵۴۴۹-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ محفوظ و در اختیار نگارندگان و مؤسسه امیای فرهنگ دارالعباده یزد می باشد.

Tel: 7262540 , E-mail: z.horiyat@yahoo.com

مؤسسه احیای فرهنگ دارالعباده یزد، منتظر است که با کسب مجوز فعالیت فرهنگی،

سنجری، پژوهشی و استقرار در پارک علم و فناوری، به عنوان مؤسسه ای فن آوری

پژوهشی، مکران، مؤلفان و هنرمندان علاقمند به این وادی را در به تلاش جهت ثبت و

ضبط هنر خود جهت ارتقای فرهنگ و هنر در جای جای ایران زمین فراخواند.

کتاب حاضر کوششی شایسته از جانب آثانی است که به دعوت سبز پامان گفته و قلم به

دست، پای به راه، چشم امید به فردایی پر از موفقیت دوخته اند. باشد که منیربان

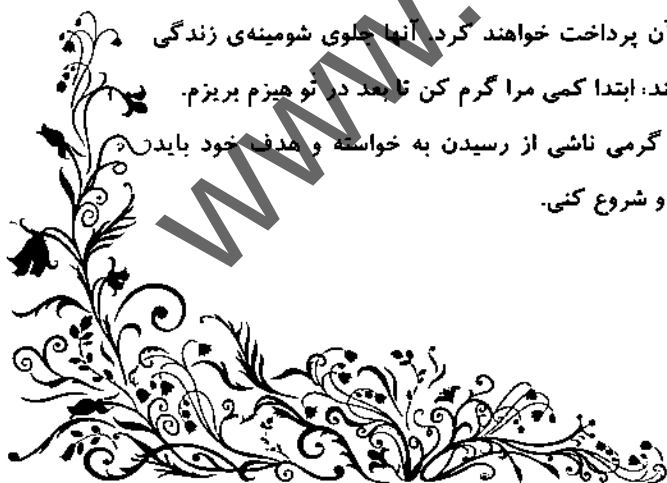
شایسته ای برای آنان باشیم.

هنرمند بدیده مؤسسه



پیشگفتار

در مقام مقایسه، زندگی بیشتر شبیه به یک بوفه یا کافه تریاست تا یک رستوران؛ در رستوران، شما غذایتان را کامل می‌خورید سپس صورت حساب را می‌پردازید؛ اما در بوفه یا کافه تریا، غذای خود را سفارش می‌دهید و بهای آن را کامل می‌پردازید و سپس می‌توانید از خوردن غذایتان لذت ببرید. بسیاری از مردم فکر می‌کنند که بهای موفقیت را بعد از رسیدن به آن پرداخت خواهند کرد. آنها جلوی شومینه‌ی زندگی می‌نشینند و می‌گویند: ابتدا کمی مرا گرم کن تا بعد در تو هیزم بریزم. پس برای چشیدن گرمی ناشی از رسیدن به خواسته و هدف خود باید دست به کار شوی و شروع کنی.



برای شروع باید مقصد و هدف مشخصی داشته باشید. شکی نیست اگر هدف مشخصی نداشته باشید، زود خسته خواهید شد. برای رسیدن به خواسته‌ی خود هزاران راه وجود دارد که هنر شما پیدا کردن بهترین و کوتاهترین راه است.

روزی مرد کوری روی پله‌های ساختمانی نشسته و کلاه و تابلویی را در کنار پایش قرار داده بود؛ روی تابلو خوانده می‌شد: «من کور هستم، لطفا کمک کنید!». روزنامه‌نگار خلاق از کنار او می‌گذشت، نگاهی به او انداخت فقط چند سکه در داخل کلاه بود. او چند سکه داخل کلاه انداخت و بدون اینکه از مرد کور اجازه بگیرد، تابلوی او را برداشت و آن را برگرداند و اعلان دیگری روی آن نوشت. سپس تابلو را کنار پای او گذاشت و آنجا را ترک کرد.

عصر آن روز روزنامه‌نگار به آن محل برگشت و متوجه شد که کلاه مرد کور پر از سکه و اسکناس شده است.





مرد کور از صدای قدم‌های او، خبرنگار را شناخت و خواست اگر او همان کسی است که ان تابلو را نوشته بگوید، که بر روی آن چه نوشته است؟

روزنامه‌نگار جواب داد: چیز خاص و مهمی نبود! من فقط نوشته‌ی شما را به شکل دیگری نوشتم و لبخندی زد و به راه خود ادامه داد. مرد کور هیچ وقت ندانست که او چه نوشته است؟ ولی روی تابلوی او خوانده می‌شد:

امروز بهار است، ولی من نمی‌توانم آن را ببینم!!!
وقتی کارتان را نمی‌توانید پیش ببرید استراتژی خود را تغییر بدهید.
خواهید دید بهترین‌ها ممکن خواهد شد و به این اصل باور داشته باشید. حتی برای کوچکترین اعمالتان از دل، فکر، هوش و روحتان مایه بگذارید. این رمز موفقیت است.





لبخند بزنید!

یادتان باشد که هر شکستی می‌تواند پله‌ای به سمت موفقیت باشد.

فقط و فقط وقتی شکست خورده‌اید، که دست از تلاش بردارید. تا

زمانی که به راهنان ادامه می‌دهید مانند رودخانه زنده هستید.

برایتان:

دلی عاشق، ذهنی جستجوگر و روحی جسور می‌طلبم!

حریت پژوه

